نکته های حساسی از زندگانی سید جمال الدین معروف به افغانی یا اسدآبادی

استخر، محمد حسین

در شماره گذشته مجله ارمغان تحت عنوان-ورقی از تاریخ تصوف و عرفان- بقلم نویسنده فاضل آقای مرتضی مدرسی چهاردهی ملاحظه‏شد که واعظین و خطبا و منبریهای‏ معروف از یکصد سال باینطرف و جمعی از معاصرین را که در فن و هنر وعظ و خطابه در تاریخ ایران از خود یادگار و آثار گرانبهائی گذاشته و در راه ترقی‏ و اعتلای دیانت مقدس اسلام از راه وعظ و خطابه و احیانا از تألیف وتر جمه خدمات‏ درخشانی نموده‏اند-نام برده و خلاصه‏ای از شرح‏حال هریک را بقلم آورده.مقدم‏ بر همه آنها اسمی از سید جمال الدین مشهور بافغانی برده و او را ستوده‏اند و بقراری‏ که یادآور شده‏اند،دو جلد کتاب یکی در زندگانی و فلسفه سیاسی و اجتماعی‏ دیگری در آراء و معتقدات سید جمال الدین افغانی تألف کرده‏اند که چاپ و انتشار یافته و متأسفانه نویسنده توفیق مطالعه و استفاده از آن دو کتاب را نیافته در عالم‏ طلبه‏گی و تحصیل و تعلیم در شیراز استاد منحصر بفردی داشتیم معروف بشیخ محمد جواد طبیب که درس فیزیک و طبیعیات را از کتب عربی در محضر او که گوشه‏ مسجدی که مطب او هم بود استفاده میکردیم.

این استاد مسلم در طب و طبیعیات را چون اخلاق و حالات مخصوصی داشت، کمتر بر سر بالین مریضی میبردند و باصطلاح قدمش را خوب نمیدانستند ولی خودش‏ میگفت مرا وقتی بالای سر مریض دعوت میکنند که من از یک در وارد میشوم و عزرائیل از در دیگر از همه‏جا که مأیوس شدند بسراغ من میآیند آنوقت(عامونینها) اصطلاح خود مرحوم بود میگویند آقا محمد جواد بد قدم است.

این استاد که الان عکسش را بیادگار دارم از شیفه‏ها و دلباخته‏ها و معتقد پروپا قرص سید جمال الدین بود،عکس سید را در جعبه طبابت خود ضبط کرده بود، سید جمال الدین در سفری که از طرف ناصر الدینشاه بایران دعوت میشود از راه نجد و بوشهر وارد شیراز میشود.

بطوری که استاد بخاطر داشت و بما دو سه نفر شاگر درس(عروس البدیعه) میگفت.سید که وارد شیراز می‏شود قوام الملک از او دعوت میکند،دو سه شام و نهار مهمان قوام الملک بوده ولی مرحوم شیخ ابو تراب،امام جمعه از او خواهش میکند که بباغ رحمت‏آباد انتقال دهند و مدت توقف در شیراز را مهمان ایشان باشند، سید هم از نظر علمی و علمائی مناسبتر میداند که دعوت امام جمعه را بپذیرد، حوزه درسی از وعظ و خطابه تأسیس میشود.

مرحوم آقا محمد جواد که در آن حوضه شرکت داشته و خطابه‏های مهیج سید را میشنیده برای ما نقل میکرد که چون جدش امیر المؤمنین خطبه‏ها را ایراد میکرد و اگر کسی او را نمیدید و از پس پرده خطبه‏های او را میشنید خیال میکرد که امیر المؤمنین است که بالای منبر کوفه خطبه میگوید.

مرحوم استاد محمد جواد طبیب عقیده‏اش این بود که تاکنون در عالم اسلام‏ فیلسوفی باین بزرگی نیامده،میگفت چون سید در من استعدادی میدید که بر علوم‏ عربی احاطه کامل دارم بمن نصیحت داد که حیف است تو عمرت را در مطالعه این‏ کتب بسر بر یاین کتابها در مقابل کتب و علوم جدید دیگر کهنه شده و از اثر و رونق افتاده،تو چون استعداد و سواد کاملی در علوم عربی داری کتب مصری را که‏ از اساتید جامعه الازهر مصر تألیف شده از مصر بطلب و بمطالعه آنها بپرداز در اثر این نصیحت مرحوم آقا محمد جواد بسیاری از کتب مصری را طلبیده و در اختیار داشت.

خلاصه مرحوم استاد ما ارادت و ایمانش بسید جمال الدین از جنبه فصاحت و بلاغت خطابه‏های او بود نه از جنبه‏های سیاسی و اجتماعی او.

تا اینجا اطلاع و آشنائی من با سید جمال الدین از گفته‏های استاد منحصربفرد مرحوم محمد جواد طبیب است در حوزه درس علوم طبیعی که تازه در مدارس جدید باب شده بود سه نفر بودیم-آقای مهدی صدر زاده وکیل پایه یک دادگستری و چند دوره نماینده محترم مجلس شورای ملی از شیراز یکی از همدرسهای آن محضر بودند و شاید کم و بیش حرفها و معتقدات استاد را درباره سید جمال الدین شنیده و بخاطر سپرده باشند.

نقشه سیاسی و اجتماعی سید جمال الدین افغانی

اما آنچه جسته گریخته از مقالات و آثار فکری و قلمی او از مقاله او در رد نیچریها،از روزنامه انتشاری در مصر بنام عروة الوثقی از شور و انقلابیکه در هند و افغانستان و مصر و پاریس بر ضد انگلیسها بر پا کرده از ملاقات با ناصر الدینشاه و اولین جمله تند و زننده‏ای را که بشاه گفته و روی همرفته از کلیه این آثار و نشانه‏ها آنچه فهمیده میشود سید نقشه سیاستش(اتحاد عالم اسلام)بوده و در صدد بوده این‏ فکر و نقشه را در سایه خلافت عثمانی با شاهنشاهی ایران بصورت عمل در بیاورد. اولین حرف او در اولین ملاقات با ناصر الدین شاه این بود:

من شمشیر برنده‏یی هستم در دست شما مرا در مقابل هردولت که میخواهید بکار ببرید.

شاه از این در آمد تکانی خود نگران شد و تا آخر خواند که نقشه از چه‏ قرار است.

)ناتمام(